

آثار و مضرات روانشناختی سقط جنین

سقط جنین یکی از موضوعاتی است که در دوران بارداری ممکن است به هر دلیلی مطرح شود. این موضوع علاوه بر داشتن عوارض و خطرات جسمانی دارای عوارض روانشناختی خاصی نیز می باشد. افرادی که چه به صورت ناگهانی و غیر عمد، با توصیه پزشکان و یا به صورت ارادی دچار سقط جنین می شوند، معمولاً عوارض روانشناختی خاصی را نشان می دهند. این عوارض در طیفی از مسایل مختلف روانشناختی ممکن است نمود پیدا کند. با توجه به سابقه و تکرار سقط، و نیز وجود آسیب پذیری های روانی قبلی ممکن است شدت عوارض در افراد مختلف متفاوت باشد. مهمترین عوارض و پیامدهای روانشناختی سقط شامل مواردی است که در ادامه به آنها پرداخته می شود:

سوگ عاطفی

تجربه از دست دادن و فقدان برای تمامی افراد تجربه ناخوشایندی است. حتی زنانی که به صورت ارادی اقدام به سقط می کنند نیز ممکن است دچار سوگ عاطفی ناشی از سقط شود. در فرایند سوگ افراد شوکه شده و ممکن است به شدت خود را سرزنش کنند. این احساس خودسرزنش گری می تواند عاملی برای فعال شدن هیجانات منفی دیگر شود. برخی افراد پس از سقط دچار اشتغال روانی با از دست دادن و حتی کار ارادی خود شده و مدام خود را سرزنش می کنند. این هسته هیجانی می تواند تبعات روانشناختی طولانی مدت تری را در بر داشته باشد.

اضطراب

معمولاً کسانی که یک بار تجربه سقط را دارند مدام از این موضوع نگران هستند که در صورت اقدام به بارداری در آینده آیا می توانند بارداری بهنجاری داشته باشند؟ آیا دوباره دچار سقط نخواهند شد؟ آیا واقعا جسم آنها برای تولد یک کودک جدید دارای کارکرد طبیعی خواهد بود؟ و ... این موضوع می تواند منجر به حساسیت های وسواس

گونه نسبت به عملکرد جسمی در افراد شود. این افراد نه تنها قبل از اقدام به بارداری مجدد، حتی در زمان بارداری نیز ممکن است به شدت احساس اضطراب داشته باشند.

افسردگی

افسردگی و غمگینی یکی دیگر از مسایل عمده روانشناختی است که در افراد مواجه شده با سقط دیده می‌شود. این افراد به دلیل تجربه از دست دادن - به خصوص در چند ماه اول؛ معمولاً خلق منفی داشته و نمی‌توانند مثل گذشته احساس رضایت از زندگی را داشته باشند. این امر به مرور زمان می‌تواند منجر به محدود شدن فعالیت‌های خوشایند و به تبع آن ماندگار شدن افسردگی در فرد شود. اگر مادری از نظر ژنتیکی مستعد افسردگی است و یا در زایمان‌های قبلی نیز افسردگی پس از زایمان داشته است، ممکن است در پس از سقط افسردگی شدیدتری را نشان دهد. گاهی این افسردگی و آشفتگی ناشی از سقط به حدی است که فرد ممکن است نیازمند بستری در بیمارستان نیز بشود. افراد افسرده معمولاً یک اشتغال ذهنی زیادی با فرایند سقط و ... دارند. اگر سقط به صورت ارادی باشد نیز شدت افسردگی ممکن است بیشتر شود.

احساس گناه مستمر

حتی در افرادی که به صورت ارادی اقدام به سقط نمی‌کنند نیز ممکن است احساس گناه و خود سرزنشگری به وجود آید. این احساس معمولاً پس از مرحله شوک به وجود آمده و حتی ممکن است تا سال‌ها موجب آزرده‌گی فرد شود. افرادی که تجربه سقط دارند گاهی نمی‌توانند با احساس خود سرزنشگری کنار آمده و این حس می‌تواند به تشدید اضطراب، افسردگی و تشدید علایم روانشناختی دیگر آنها کمک کند.

به قلم دکتر مژگان لطفی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران